

نوشتن درباره مسائل مربوط به دولت کرده است. باز برخلاف خیلی‌ها، از محصولات دوران جدید و ترامپی جمهوری‌خواهان در ایالات متحده نیست و از مدت‌ها پیش از تولد این ژانر از راست‌گرایان، یک محافظه‌کار سنتی و حرفه‌ای بوده. شکل و شمایل مواضعش پس از ظهور ترامپ نیز کمی با دیگران متفاوت است. او اواخر در سال ۲۰۱۶، از جمله کسانی است که ترامپ را به عنوان دارویی ضروری پذیرفتند.

سابقه سیاسی او حاکی از این است که او، مثلاً مثل پیت هگست، وزیر دفاع دولت فعلی ترامپ، از ناگجا به میانه دولت پرتاب نشده و بیشتر شبیه جان بولتون، موضع و ادعاها و سوابقی دارد که در لحظه کنونی او را به دارودسته ترامپ نزدیک کرده است. این البته، معمولاً در اطراف ترامپ وضعیت مثبتی نیست: همین جان بولتون، با خواسته‌ها و دغدغه‌های سیاسی خودش به دولت آمده بود و هدفش صرفاً تأیید ترامپ و حمل بار تصمیمات او نبود. همین یکی از دلایلی شد که جدایی خصمانه‌ای بین او و ترامپ رخ دهد. سوابق کناره‌گیری‌های او نیز رنگی از این ادعا و احترام به خود را در او نشان می‌دهد: وقتی مک‌مستر از شورای امنیت ملی می‌رود و بنا می‌شود، بولتون به جایش بیاید، او هم دولت را ترک می‌کند و وقتی می‌همد قرار است با یکی از پدیده‌های سربرآورده در دوران ترامپ، یعنی گورکا کار کند، عطای سمت را به لغایش می‌بخشد.

این تاحدی بین اوو امثال لیندزی گراهام نیز تمایز ایجاد می‌کند، یعنی با کسانی که مدت‌ها سابقه محافظه‌کاری کلاسیک داشتند اما وقتی ترامپ به قدرت رسید، خود را تمام و کمال در خدمت او و در نسخه جدید جمهوری‌خواهی تعریف کردند. یک تفاوت دیگر نیز البته بین او و دیگران در اطراف ترامپ هست و آن اینکه او، مثل دیگران اهل حضور در زیر نورافکن صحنه سیاسی نبوده‌است و بیشتر در حلقه‌های نخبگانی سیاسی عرض‌اندام می‌کرده، به‌خصوص وقتی سابقه حضور او در صحنه قدرت سیاسی را مرور می‌کنیم و می‌بینیم چه جایگاهی در میان محافظه‌کاران دارد، این کم‌سروصدایی او بیشتر به چشم می‌آید. واضح‌ترین نشانه‌اش شاید همین باشد که در میان افکار عمومی، خیلی‌ها نام او را اولین بار در همین خبر مربوط به مذاکرات ایران شنیده‌اند. حتی زمانی که پرواز ۹۳ را می‌نوشت هم به جای نام خودش از نام مستعار «پالیلیوس دیسیوس ماس» استفاده کرد که نام یکی از مقامات روم باستان بود.

سیاسی به جای فنی

در عین حال اما در سابعه او دو نقطه نیز هست که کمی جنس حضور او در مذاکرات فنی با ایران را شبیه بقیه دولت ترامپ می‌کند: اولاً و اصلاً چهره «فنی» به معنای مربوط به این مذاکرات نیست. او نه تحصیلاتی در حوزه مسائل فیزیک هسته‌ای دارد و نه مثلاً به عنوان اقتصاددان متخصص تحریم و جنگ اقتصادی به حساب می‌آید. ثانیاً، اگر چه او پیشتر مدتی کوتاه در وزارت خارجه سمت داشته، اما عمده سابقه و مواضع او به حوزه داخلی مربوط بوده است. در کلر مونت، جایگاه او کارشناس سیاست داخلی آمریکاست. نگاهی به فهرست نه‌چندان کوتاه مقالات او در همان کلر مونت نشان می‌دهد، عمده نوشته‌ها و موضع‌گیری‌های او هم به حوزه سیاست داخلی ایالات متحده مربوط بوده‌اند. همان وقتی که از نامزدی ترامپ و دولتش حمایت می‌کند نیز چندان این حمایت را بر مسائل مربوط به سیاست خارجی و جهانی استوار نمی‌کند و دغدغه‌های سیاست داخلی‌اش را بر جسته می‌کند.

اشتراکات شناخته‌شده مواضع او با جریان ترامپ نیز بیشتر در حوزه مسائل داخلی مثل بحث‌های تنوع جمعیتی دیده می‌شوند؛ البته هیچ‌کدام از این حرف‌ها به این معنا نیست که او در حوزه سیاست خارجی حرفی زده است: به جز سمتش در وزارت خارجه، او که در رسانه‌های برجسته‌و مختلف ایالات متحده قلم‌زده، مقاله‌هایی جدی در حوزه سیاست خارجی داشته‌است، مثل وقتی در امریکن افرز درباره «آمریکا ونظم بین‌المللی لیبرال» می‌نویسد، «دکترین ترامپ» را در فارن پالیسی شرح می‌دهد و به مرور رویکرد «جورج کینان» دیپلمات اسبق آمریکا به شوروی می‌پردازد؛ اما چنان که ذکر شد، موضع‌گیری‌های او در صحنه سیاست داخلی بیشتر از صحبت‌هایش در سیاست خارجی بوده‌اند؛ تا حدی که رسانه سیاسی پولیتیکو در آمریکا، در خبر اعلام ورود او به مذاکرات اشاره می‌کند: «او هنوز موضع علنی درباره پرونده ایران نگرفته است.» این جمله، البته تنها در صورتی صحت دارد که اشاره «پرونده ایران» را منحصر به دور تازه بحث و جدل‌ها در این باره بدانیم.

ادامه از صفحه یک

یأس و نومیدی معمولاً تبدیل به خشم و قهر می‌شود؛ به‌طوری‌که هر گاه زمینه برای وزیرین نسیمی تازه‌به‌سمت دانشگاه‌ها فراهم می‌آید، متأسفانه وقوع یک حادثه، فضای امنیتی را بارز تولید و تشدید می‌کند و رخوت و بی‌تحریکی و سر خوردگی در بین دانشجوین را افزایش می‌دهد.

در واقع فضای دانشگاه‌ها دچار دور باطل شده‌است ا‌گاه فضای حاکم بر دانشگاه‌ها چنان سرد و رخوت‌آلود می‌شود که خودتشکل‌های حامی حکومت را هم به خشم می‌آورد و موجب فشار آنان برای گشودن روزنه‌ای در جهت بازتر شدن فضا می‌شود. تصمیم‌گیران اصلی اما حداکثرش، به برگزاری مناظره بین طیف‌های مختلف در سطح دانشگاه‌ها رضایت می‌دهند که آن هم خودش آفت‌زده شده‌است.

در شرایط حاضر به تصدیق تشکل‌هایی حتی مثل بسیج دانشجویی، اغلب چهره‌های شناخته‌شده در اصولگر ا حضور در هر مناظره‌ای گریزانند و به آن تن نمی‌دهند. چهره‌های اصلاح‌طلب هم انگیزه و رغبت سابق را به حضور در مناظرات

سیاست خارجی آنتون: تبیین حرفه‌ای ترامپسیم

به عنوان مقامی در عرصه دیپلماسی، او بسیار گزینه مناسب و مطلوبی برای دولتی مثل دولت ترامپ است. او در نوشته‌ها و مواضعش از همان سال ۲۰۱۶، به تبیین و دفاع جدی از رویکرد سیاست خارجی آمریکا در اشکال جزئی و کلی پرداخته است و «دکترین ترامپ» یا «ترامپسیم» را ستوده است. آنتون از رویکرد کلان سیاست خارجی ترامپ، یعنی انزواگرایی، حمایتی جدی دارد؛ رویکردی که او پیشتر در مصاحبه‌ای با جوبیش اینسایدر، چنین توصیفش می‌کند: تلاش برای عقب‌کشیدن مشغولیت ایالات متحده در سراسر جهان و تمرکز به دفاع از امنیت ملی، منافع اقتصادی، توان رقابت و ساختار اتحادها: «این [رویکرد]، دکترینی است، متمرکزتر از چیزی که ترامپسیم جایش را گرفته است.

نگاه به منافع آمریکاست، از دریچه‌ای باریک‌تر. وقتی همه چیز را به عنوان اولویت تعریف کنی، هیچ چیز در اولویت نیست. وقتی همه چیز را به عنوان دغدغه تعریف کنی، یعنی هیچ چیز دغدغه نیست.» او رابطه ایالات متحده و اسرائیل را برای راهبرد امنیتی ایالات متحده کلیدی می‌داند و اساس آن را چیزی فراتر از مسئله‌های مالی می‌خواند: از جمله «باور مشترک و منافع مشترک» و نیز «زندیکی طبیعی به دموکراسی‌هایی که ارزش‌های مشترک دارند».

آنتون از مخالفان بحث مهاجرت و نیز موضوع مربوط به آن، یعنی «تنوع جمعیتی» است. در همان سال ۲۰۱۶، او به صراحت می‌نویسد: «تنوع، قدرت ما نیست، منبع ضعف، تنش و تفرقه است... آمریکا «ملتی از مهاجران» نیست، بلکه ابتدائاً ملتی از سکنی‌گزینان است که بعدتر تصمیم گرفتند، مهاجران را نیز بپذیرند.» از نگاه او، مهاجرت به لحاظ اقتصادی «حقوق آمریکایی‌ها را پایین می‌آورد، باعث از دست رفتن شغل آمریکایی‌ها می‌شود و استاندارد زندگی را کاهش می‌دهد.»

آنتون مخالف اسلام و مسلمان نیز هست. این دین را اساساً خطرناک می‌خواند و معتقد است «با غرب مدرن ناسازگار» است: «اسلام «دین صلح» نیست؛ مذهبی ستیزه‌جوست که علم‌دار تغییر دین با زور شمشیر است، الهام‌بخش هزاران اقدام تروریستی است و نیز الهام‌بخش میلیون‌ها نفر که از ترور حمایت یا با آن‌ها همدلی کنند.» او در سال ۲۰۱۶، مجوز ورود مهاجران مسلمان پس از یازده سپتامبر را «دیوانگی» می‌خواند: «فقط جامعه‌ای دیوانه، یا جامعه‌ای که عازانه به دنبال اثبات وفاداری‌اش به «فضیلتی» خیالی می‌بود، بعد از حملات یازده سپتامبر ورود مهاجران مسلمان را افزایش می‌داد؛ اما این دقیقاً کاری است که ایالات متحده کرد.»

او به همین هم بسنده نمی‌کند: «بله، البته، همه مسلمانان تروریست نیستند و از این حرف‌ها، با این حال، مهاجر مسلمان چه خبری برای ایالات متحده و مردم آمریکا آورده است؟ اگر واقعاً به نیروی کار بیشتر نیاز داریم -ادعایی که قطعاً نادرست است- چرا باید لازم باشد این نیرو را از دنیای اسلام بیآوریم... در میان چهره‌های برجسته سیاسی، تنها ترامپ جرأت کرد بگوید این حرف‌ها همه مضحک هستند.»

او اظهارنظری درباره سیاست خارجی ترامپ دارد که تناسب او را برای این دولت روشن‌تر می‌کند. در زمان دولت اول ترامپ، او جایی تأکید می‌کند که همه مقامات دولت باید در هر موضوع مربوط به ایران، در نهایت تسلیم قضاوت رئیس‌جمهور شوند یا اخراج شوند.

آنتون و ایران

درباره ایران هم آنتون مواضعی همراه با ترامپ دارد. او در سال ۲۰۲۰، یعنی اواخر دوره اول ترامپ، در مصاحبه‌ای با فاکس‌نیوز توافق برجام را دچار نقص می‌خواند، تا حدی به این دلیل که منافع مالی فوری و قابل‌توجهی به ایران ارائه می‌کند، پیش از آنکه بندهای مطلوب ایالات متحده اثر بگذارند. به نظر او این منافع هم «برای تقویت تروریسم» به کار رفته‌اند. او آن زمان می‌گوید ترامپ کار درستی کرد که به این موضوع معترض بود و خواستار بازگشت تحریم‌ها شد. به نظر آنتون، قطع منابع ایران تنش‌ها را کاهش می‌دهد، نه اینکه افزایش دهد. آنتون حامی ترور قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران نیز بوده است. آنتون در سال ۲۰۱۹ نیز در گفت‌وگوهایی با فاکس‌نیوز و ان‌پی‌آر می‌گوید به نظر او ایران معمولاً محتاط است و وقتی با مقاومت قوی مواجه شود، عقب می‌نشیند. به عقیده او، ایالات متحده و متحدانش می‌توانند با ارائه جبهه‌ای قوی و متحد در مقابل ایران، در مقابل رویکرد تنهاجمی‌اش بازدارندگی ایجاد کنند. او پس از امضای توافقات ابراهیمی، در مصاحبه‌ای با سی‌ان‌ان

اتحاد در حال ظهور علیه ایران» را تحسین می‌کند.

مواضع او درباره ایران، در مجموع کاملاً هم‌راستا و هم‌داستان با مواضع ترامپ و ترامپست‌ها بوده و هستند، یک مخالف کلاسیک و جدی ایران. این باعث می‌شود حامیان توافق چندان از شنیدن نقش تازه او در گفت‌وگوها خوشحال نشوند؛ اما نکته قابل‌توجه این است: علی‌رغم این مواضع، اعلام جایگاه او در مذاکره با ایران چندان به مذاق حامیان برخورد با ایران نیز خوش نیامده است. چرا؟

حرف، حرف رئیس است

تفاوت مهم او با کسی مثل بولتون، در همان دولت اول هم مشخص شد و البته دلیل اصلی نگرانی حامیان برخورد تنهاجسی با ایران است: او حرف و موضع رئیس‌جمهور را فصل‌الخطاب می‌داند، زمانی که پولیتیکو به عنوان اولین رسانه، خبر مسئولیت تازه او را منتشر کرد، از همان مقام بدون ذکر نامی که خبر را داده بود چنین نقل کرد: «او با توجه به تجربه و هوشش فردی عالی برای این کار است. مهم‌تر از هر چیز، او تضمین خواهد کرد که دستور کار رئیس‌جمهور ترامپ در این پرونده تا پایان دنبال می‌شود.»

در همان سال ۲۰۱۹ و در همان مصاحبه با ان‌پی‌آر، آنتون تلاش جان بولتون، مشاور وقت امنیت ملی ترامپ و مایک پمپئو، وزیر خارجه او برای جنگ با ایران را با ادبیاتی به نقد می‌کشد که در گزارش رسانه اسرائیلی هآرتس درباره انتصاب او قرار می‌گیرد: «آن‌ها یک رئیس دارند، رئیس، رئیس‌جمهور است... [ترامپ] جنگ با ایران را نمی‌خواهد و به دنبال جنگ با ایران نیست.» همان جایی که او محتاط‌بودن ایران می‌گوید، توصیفی از رویکرد این کشور دارد که خیلی با مواضع دیگر مخالفان سنتی جمهوری اسلامی ایران در واشنگتن یکی نیست: «رژیم ایران احتیاط خاصی دارد. دوست دارد در میان جبهه دفاعی مخالفش بگردد و ببیند چه کاری را می‌تواند پیش‌بردد و از عواقبش بگریزد... وقتی جبهه متحدی ببیند، وقتی در میان حریفانش هوشیاری ببیند، معمولاً پسی کار خودش می‌رود و کار تحریک‌آمیزی نمی‌کند.» آنتون نسبت به جنگ با ایران موضعی منتقدانه و بدبین دارد و این وجه تمایز مهم او با کسی مثل بولتون است.

اما شاید مهم‌تر از آن در این وهله، نگاه او به اصل حضور در دولت است. چنان که پیشتر آمد او چند بار هم به‌طور کلی و هم مشخصاً با اشاره به نام افراد تصریح کرده که به نظر او، کسی که در دولت است، باید تسلیم نظر رئیس‌جمهور باشد و سیاست او را پیش ببرد، یا از دولت برود. سابقه او نشان می‌دهد خود او هم به چنین چیزی معتقد است. باز همان طور که ذکر شد، او دو بار در دوران همین ترامپ وقتی با رویکردی برخلاف نظر خود مواجه می‌شود، حضور در سمت را نمی‌پذیرد و به راحتی از دولت می‌رود.

کسانی مثل مایک والتز، مشاور فعلی امنیت ملی ترامپ و مارکو روبیو، وزیر خارجه فعلی در بخش‌های مهمی از سیاست خارجی ترامپ، مخصوصاً ایران، حامی روند فعلی و اولویت‌دادن به گفت‌وگو و مذاکره نیستند. امثال این‌ها، مثل خیلی‌های دیگر، یا در همان جایگاه خود در دولت، تلاش خود را برای تغییر مسیر پیش می‌گیرند یا در نهایت، علی‌رغم میل باطنی با رویکرد دولت کنار می‌آیند. سابقه آنتون اما نشان می‌دهد چنین نگاهی ندارد، مخصوصاً که او عمدتاً نه در جایگاه مقام ارشد که در سمت‌های اجرایی یا مشورتی قرار داشته و کاروزه او، کمک به پیشبرد رویکرد دولت بوده است. او نشان داده جایی که مخالف باشد، نمی‌ماند که برخلاف خواست دولت کار خود را پیش ببرد؛ بلکه صحنه را ترک می‌کند.

این همان چیزی است که می‌تواند برخلاف همه مواضع آنتون، معرفی او را خبری به نفع پیشبرد مذاکره نشان دهد: آنتونی که این سمت را پذیرفته، به احتمال قوی به دنبال اجرای خواست و منویات ترامپ در این مسئولیت تازه خواهد بود. اگر چنان که برخی حامیان توافق با امیدواری و برخی حامیان جنگ با بدبینی تصور می‌کنند، ترامپ واقعاً اولویت و ترجیح خود را روی دیپلماسی قرار داده باشد، اراده‌اش بر این باشد که مسئله ایران را با نتیجه‌رساندن مذاکرات و کسب توافق، از روی میزش بردارد، آنتون هم پیگیری همین خواسته را در دستور کار قرار خواهد داد و با همان جدیتی که پیشتر نشان داده، به دنبال کسب نتیجه خواهد رفت. چنین تصویری است که باعث می‌شود انتصاب چهره‌ای تماماً ضد جمهوری اسلامی ایران، بتواند در جهت پیشبرد گفت‌وگو به حساب بیاید و به تعبیر هآرتس، «جنگ‌طلبان را آزرده کند.»

شاهد در روز هشتم اردیبهشت برگزاشت.

وقتی من به مناظره با فردی رضایت می‌دهم، پیشاپیش به معنای تعهد به حفظ احترام او نیز هست. حالا هر که می‌خواهد باشد. بنابراین، در مناظره رعایت حال طرف را می‌کنم و می‌کوشم که حرفی استدلالی به مخاطب ارائه‌دهم. به همین دلیل با آقای الله‌کرم نیز از سر حوصله و صبوری برخورد کردم. فقط یک جا که اسامی برخی متفکران غربی در حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی را بدون مناسبت برشمردم و چیزهای غیرقابل فهم برای من از نظرات آنها گفت؛ ناچار شدم به او یادآور شوم که خوردن غذا بدون هضم آن، فقط سر دل آدمی را سنگین می‌کند! در هر حال، دانشجوین دانشگاه‌ها شاهد این‌یکه در دانشگاه‌شان برنامه‌ای برگزار شد، احساس خوبی داشتند. برخی حاضران هم از اینکه حراست دانشگاه برای ورود آنان به محل بسیار سخت‌گیری کرده بود، به سختی گلایه می‌کردند. «خبرگزاری دانشجو» از مناظره فیلمبرداری کرد ولی تا لحظهٔ نوشتن این یادداشت، چیزی از آن منتشر نکرده است.

دیپلمات‌ها



مذاکره اصلی با آمریکاست

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران گفت: «نقش سه کشور اروپایی به خاطر سیاست‌های غلطشان کم‌رنگ شده... ما مایل به این نیستیم.» وزیر امور خارجه، در جمع خبرنگاران توضیحاتی درباره روند گفت‌وگوها ارائه داد: «هر مذاکره‌ای براساس اختلافات صورت می‌گیرد، اگر اختلاف نباشد که احتیاج به مذاکره نیست. هدف مذاکره حل‌وفصل اختلافات و رسیدن به یک تفاهم مشترک است که ما داریم تلاش می‌کنیم.» وی افزود: «دور بعدی مذاکرات در رم خواهد بود.» عراقچی تصریح کرد: «علی‌القاعده راستی‌آزمایی مسائل هسته‌ای در هر توافقی احتمالی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود. آژانس در آینده اگر توافقی صورت بگیرد نقش مهمی خواهد داشت.» وزیر خارجه ایران اشاره کرد: «خط قرمزهای ما کاملاً روشن است و به طرف آمریکایی هم اعلام شده.» رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران در گفت‌وگوها با ایالات متحده، به ادعاها درباره تمایل ایران به طولانی‌کردن مذاکرات واکنش نشان داد: «از نظر ما محل مذاکره موضوع مهمی نیست که به خاطرش وقت تلف کنیم بلکه آنچه مهم است محتوای مذاکرات است.» وی افزود: «زمانبندی مشخصی را تعیین نکردیم اما طبیعی است که ما اصلاً به دنبال مذاکرات فرسایشی و وقت تلف کردن نیستیم.» عراقچی درباره کاهش نقش اروپایی‌ها در این روند توضیح داد: «به نظر من سه کشور اروپایی به خاطر سیاست‌های غلطی که اتخاذ کردند در حال حاضر نقش‌شان کم‌رنگ‌تر شده. البته ما مایل به این موضوع نیستیم. به همین دلیل آمادگی داریم دور بعدی مذاکرات را با آن‌ها در رم برگزار کنیم.» او البته تصریح کرد: «به مذاکرات خود با اروپایی‌ها ادامه می‌دهیم ولی مذاکره اصلی در حال حاضر با آمریکاست.» مقام ارشد دستگاه دیپلماسی ایران درباره گمانه‌زنی‌ها مبنی بر تنش‌زایی در روند مذاکرات اشاره کرد: «اینکه در جریان مذاکرات، طرف‌های مقابل اقدامات تحریک‌آمیزی را انجام بدهند، جدیت آنها را می‌تواند زیر سوال ببرد؛ البته ما در جریان هستیم که دیدگاه‌های مختلفی هم در آمریکا هست و اختلافاتی وجود دارد و لابی‌های مختلف آنجا دارد کار می‌کند و همه مسائل را داریم رصد می‌کنیم و راجع به اینها تصمیم می‌گیریم.» وی همچنین درباره نقش آژانس در این مرحله گفت: «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نهایتاً نقش راستی‌آزمایی را دارد، فعلاً آژانس نقشی در مذاکرات ندارد، اگر توافق حاصل شد بخش راستی‌آزمایی مسائل هسته‌ای به‌عهده آژانس است.»



همچنان به ان‌پی‌تی متعهدیم

نماینده دائم ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به رئیس دوره‌ای شورای امنیت و نیز آنتونیو گوت‌رش، دبیرکل سازمان ملل، در واکنش به سخنانی از وزیر خارجه فرانسه نوشت: «ادعاها مبنی بر اینکه ایران «در آستانه» توسعه سلاح هسته‌ای قرار دارد، کاملاً بی‌اساس و از منظر سیاسی غیرمستولانه است. جمهوری اسلامی ایران هرگز به دنبال دستیابی به سلاح هسته‌ای نبوده و دکترین دفاعی خود را تغییر نداده است. ایران به‌طور قاطعانه تمامی سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح‌های هسته‌ای را رد می‌کند.» امیرسعدید ایروانی در این نامه تصریح کرد: «به عنوان یکی از اعضای مؤسس پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ایران همچنان به تعهدات خود ذیل پیمان مزبور متعهد است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مستمراً با ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران نظارت و آن را مورد راستی‌آزمایی قرار می‌دهد؛ گزارش‌های این نهاد نیز به‌طور مستمر تأیید کرده‌اند که هیچ انحرافی از مواد هسته‌ای به مقاصد غیرصلح‌آمیز صورت نگرفته است.»